

پوتین های سرهنگ پولادین

۱۷ مهر ۱۳۹۵ ساعت ۱۱:۰۱

سرهنگ پولادین از آن نام های ماندگار است که هر چند همیشه باعث افتخار دارنده اسم نبوده ، اما می شود گفت شروع اتفاقات منحصر به فرد را در تاریخ ایران به یاد می آورد . قضیه باز می گردد به سال ۱۳۰۶ و نوشته روزنامه اطلاعات : (دیروز صبح ساعت پنج بعد از نصف شب محمود خان پولادین (سرهنگ سابق) در باغ شاه اعدام گردید .

جوان و تاریخ کافه هنر



سرهنگ پولادین از آن نام های ماندگار است که هر چند همیشه باعث افتخار دارنده اسم نبوده ، اما می شود گفت شروع اتفاقات منحصر به فرد را در تاریخ ایران به یاد می آورد . قضیه باز می گردد به سال ۱۳۰۶ و نوشته روزنامه اطلاعات : (دیروز صبح ساعت پنج بعد از نصف شب محمود خان پولادین (سرهنگ سابق) در باغ شاه اعدام گردید . شاید قارئین محترم از تفصیل توطئه سو قصد و عملیات و نقشه ای را که پولادین و رفقای او بر ضد استقلال مملکت طرح و شروع کرده بودند مختصرا اطلاع داشته

باشند. توطئه مزبور تقریباً یک سال و نیم پیش به وسیله اداره محترم نظمیه کشف و محمود خان پولادین و شرکای ایشان نصرالله خان (سرهنگ سابق)، احمد خان همایون (یاور)، روح الله خان (یاور)، احمد خان پولادین (یاور)، هایم (نماینده دوره پنجم کلیمیان) دستگیر و توقیف و تحت استنتاج قرار گرفتند. پس از تحقیقات مقدماتی و استنطاقی که در اداره نظمیه از آنها به عمل آمد توطئه سوقصدی که برای برهم زدن اوضاع مملکت طرح گردیده بود کشف و دوسیه آن تنظیم و تکمیل گردید. محکمه نظامی موافق قوانین و مقررات قشونی برای محاکمه تشکیل و در نتیجه محاکمات طولانی محمود خان پولادین به اعدام محکوم گردید) تاریخ می گوید خود رضا خان این اعدام را یواشکی نگاه می کرده است چون باور نمی کرد آجودن باوفایش علیه او و حکومتش دسیسه چیده باشد. کسی که خودش از مردان آهنین رضا خان بود در لحظات آخر، سلام نظامی داد، پوتین هایش را محکم به هم کوبید و طلب مرگی کرد که بهتر از تن دادن به رای فرمانده خودکامه اش بود. این مرد کارنامه عجیبی دارد از همکاری با پیرم خان ارمنی و پدر انقلابی اش در تصرف رشت و قتل آقا بالاخان حاکم گیلان بگیر تا فتح قزوین و گلوله خوردن از قوای محمد علی شاه. حسین مکی در کتاب تاریخ بیست ساله ایران نوشت: سرهنگ احمد خان پولادین که افسری حساس بود و چون رئیس گارد رضاشاه و از نزدیک شاهد اعمال او بود با عده ای از افسران و اشخاصی که می دانست آنها با رژیم پهلوی موافق نیستند وارد مذاکره و متحد شد و کمیته ای سری تشکیل دادند که او را از میان بردارند و رژیم پهلوی را سرنگون سازند.

این شعری است که نیما یوشیج برای او سروده است:

این ماجرای دست ز جان شسته ای است کاو

آمد که داد مردم بستاند از عدو

اما چگونه داد و آنکه چه دشمنی؟

تیغی که انتقامش در زهر می کشید

تیزی گرفت از شبی و از هزار امید

اندر شبی دگر خاکش غلاف شد

کسی را جگر به گفتن حرفی در آن نبود

جز از پی شکست در این ره نشان نبود

او کشتی شکسته ما را بر آب دید

رفتش که وارساند اما بخواب دید

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۸۴۳/پولادین-سرهنگ-پاپ-پوتیند>